



● مرحوم دهداری علاوه بر آنکه معلم اخلاق فوتبال ما بود، نسل طلایی فوتبال ایران در دهه ۶۰ را هم بنیان گذاشت. بازیکنان این دو تیم هم توسط دهداری به فوتبال ما معرفی شدند



افراد را برای این سمت‌های بزرگ برگزیده و با چه لیاقت و پیشینه‌ای آنجا نشسته بودند- نیز نتیجه نداد و سرانجام رضا وطنخواه دستیار دهداری تورنمنت را شروع کرد با این امید که دهداری برگردد. همان همیشگی...

دشت مغان

در سفر به شرق ایران تایلد و بنگلادش را برد. بازی برگشت را هم از بنگلادش در آزادی شب عید بردیم و در سال جدید فدراسیون مهدی مناجاتی را به جای دهداری به سرمربیگری برگزید.

برخی بازیکنان بزرگ برگشتند؛ فرشاد پیوس، سیروس قایقران، مهدی ابطی و... تیم جان گرفت و سه گل به تایلد زد تا همه به صعود امیدوار شوند. حالا فقط دو بازی رفت و برگشت با چین مانده بود و یک ماه زمان که همین کار دستان داد.

برای جبران کم‌کاری‌ها، اردویی در دشت مغان برای تیم ملی ترتیب دادند، بدون هیچ بازی تدارکاتی و تنها با تغییر زمین تمرین که حاصلش حذف پنج بازیکن اصلی همان تیم نیم‌پند بود!

دو روز قبل از اعزام تیم به چین به مناجاتی اعلام شد نادر محمدخانی، سیروس قایقران، جواد زرینچه، مجتبی محرمی و مرتضی فنونی‌زاده اجازه خروج از کشور را ندارند و... ایران بازی رفت را با دو گل به چین باخت، با جوانانی که برای نخستین بار پیراهن تیم ملی را در این موقعیت حساس به تن کردند.

لعنت بر تفاضل گل

حالا یک بازی برگشت با چین باقی مانده بود. شنبه ۳۱ تیر ۱۳۴۸ در ورزشگاه آزادی نود هزار نفر به کمک کشورمان آمدند و در اردوی هتل لاله به مهدی مناجاتی گفته شد اشتباهی رخ داده و جواد زرینچه گناهی نداشته پس می‌تواند بازی کند!

مشکل دفاع راست حل شد، در آن روز رویایی ایران تا دقیقه ۱۵ دو گل بازی رفت را جبران کرده بود و وقتی نیمه دوم فرشاد پیوس گل سوم را زد، ورزشگاه منفجر شد اما...

افسوس که جوانان بی‌تجربه آن روز در ۳۰ دقیقه آخر دو گل خوردند و با تفاضل گل چین از این گروه به مرحله بعد صعود کرد.

صعودی که همه رقبا را خوشحال کرد، چراکه می‌دانستند بزرگترین رقیب حذف شده است. اتفاقی که در دور نهایی افتاد و امارات و کره جنوبی براحتی آب خوردن راهی جام جهانی شدند و ایران به دست خود سر تیم ملی‌اش را برید...



بدرقه معلم اخلاق با برف!

تیمی که می‌خواست به جام جهانی برود از ابتدای زمستان کنار دریاچه آزادی اردو زد، با روزی یک وعده غذای گرم از پادگان و یک وعده کنسرو!

بازیکنان بزرگ بعد از بازی‌های آسیایی ۱۹۸۶ سئول از تیم ملی رفته بودند و پرویز دهداری از دسته دوم و سوم تهران جوانانی را به تیم ملی آورده بود.

در تنها بازی دوستانه‌ای که برای این تیم تدارک دیده شد، ژاپن به تهران آمد اما پس از تساوی ۲-۲ در آزادی مربی اخلاق را با شعارهای آنچنانی و گول‌های برف طوری زدند که رفت و پشت سرش را هم نگاه نکرد... رایزنی‌های فدراسیون - که اصلاً کسی نمی‌دانست چه کسانی این